



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

خطابه‌یی برای سران حکومت وحدت ملی



دوکتور محمدطاهر هاشمی

من به فکر تو و سرگرم نصیحت ناصح به گمانش که مرا گوش به افسانه اوست

با تأسف باید پذیرفت که اوضاع در کشور روز تا روز به سمت نابسامانی‌های گسترده‌تر و بیشتر پیش می‌رود. این وضع که در همه سطوح و ابعاد ساری گردیده، پریشانی و اضطراب را بر همه اقشار و طبقات کشور چنان با عمق و وسعت مستولی ساخته است که علی‌رغم درگیری مردمان کشور به انواع مختلف نابسامانی‌ها، آن‌ها خطر سقوط دستگاه‌های حکومتی را در مجموع احساس نموده و آینده موهومی را در ذهن خود مجسم می‌کنند.

روی این دلهره و اضطراب است که مردم کشور به‌خصوص جوانان که با مشکلات عدیده از جمله ناامنی روبه‌رو هستند، کشور را از هر طریق ممکن ترک می‌گویند؛ همان کاری که عمال حکومت وحدت ملی مدت‌ها قبل انجام داده‌اند و در صدد تهیه جا و مسکن بهتر در کشورهای مختلف، برای نورچشمی‌های‌شان شرایط زنده‌گی بلند و بالا را - آن‌هم با استفاده از امکانات مادی‌یی که در کشور فقیر افغانستان در اختیار دارند - مهیا نموده‌اند.

با وجود آن‌که شرایط اوضاع گویای نابسامانی‌ها در حد نهایی آن می‌باشد، لازم می‌دانم برای جلب توجه دولت‌مردان حکومت وحدت ملی، تکراراً به عرض برسانم که تشتت، پراکنده‌گی فساد، اختلاس، قاچاق، معامله‌گری‌ها و تقسیم قدرت حاکم دولتی به خویشان و اقارب و حتا افراد مشکوک، همه و همه به حیث وضع عادی در کشور پذیرفته شده و برای اصلاح این نادرستی‌ها، دستی وجود ندارد که به‌خاطر رضا خدا و خشنودی ملت کاری انجام بدهد.

آن‌چه بیشتر مایه تأسف و اندیشه است این‌که: دولت‌مردان و عمال حکومت وحدت ملی با گذشت هر روز به مسایل ملی پشت پا زده، از امتیازات مادی حکومتی به‌گونه گسترده و غیرمسولانه بهره می‌برند. امور کشور در همه زمینه‌ها (سیاسی، اقتصادی، اداری، امنیتی و...) سیر نزولی داشته و ساحة امنیتی روز تا روز تنگ‌تر شده و سیاست خارجی بیشتر از پیش در گرو سلیقه‌های تیمی قرار گرفته و به سستی و ضعف گراییده است. در نتیجه، ناتوانی‌ها در امور کشوری و ضعف در سیاست خارجی، ما را ناتوان‌تر از آن ساخته است که از کمک‌های خارجی استفاده بهینه کنیم.

کمک‌ها حیف‌ومیل و دوسیه‌های مربوط به آن حفظ می‌گردد، آنان که بیشتر به آلوده‌گی مبتلا هستند، زودتر به سفارت‌خانه‌ها توظیف می‌شوند. (حرمت شخصیت‌ها، مأمورین، سفرا، قضات و دادستان‌ها و امثالهم که به پاکی و صداقت، مسولانه و رسالت‌مندانه مصدر خدمت هستند، محفوظ است.)

دوسیه‌های جنایی به کمیسیون‌های حقیقت‌یاب تفویض می‌شود ولی هیچ حقیقتی تاهنوز برملا نشده و هیچ جانی‌یی به میز محاکمه کشانیده نشده و حتا مفهوم خیانت ملی به پاس ارتباطات عوض شده است. دولت‌مردان حکومت وحدت ملی به تقسیم وظایف بلندپایه دولتی و سفارت‌خانه‌ها توجه جدی دارند، اما کمتر به پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و پلان‌های مقتضی برای رفع نیازمندی‌های کشور دست یافته‌اند. ضمناً اختلافات نظری میان مجریان قدرت همه‌روزه بالا می‌گیرد. اظهارات شکایت‌آمیز معاون اول ریاست جمهوری مبنی بر عدم توزیع عادلانهٔ مناصب (بر اساس محک‌های حکومت وحدت ملی) بلندپایه و سفارت‌خانه‌ها ناشی از همین...

ادامه صفحه ۶



صفحه ۲

هر چه خواهی کن!



صفحه ۶

ریاست اجرایی:

تقرر نورستانی تعهد ما به اصلاحات را زیر سوال می‌برد

برخی از فعالان جامعه مدنی و اعضای مجلس:

جرایم جنایی در کابل افزایش یافته است

در همین حال، نفیسه یکی از بانوان که به چهره‌اش در شب دوم عید اسید پاشیده شده می‌گوید که با شوهر و دو کودکش حوالی ساعت ۱۱ شب دوم عید زمانی که در جاده‌یی به سمت خانه‌شان در حرکت بودند، مردی به صورتش تیزاب پاشید. ۱۰ سال از زنده‌گی مشترکش نفیسه ۳۲ ساله می‌گذرد. او می‌گوید که با هیچ شخصی دشمنی نداشته و به هیچ کسی هم مشکوک نیست

صفحه ۶



محمد اشرف‌غنی:

پاکستان منزوی شده است



رییس‌جمهور یکبار دیگر بر گفت‌وگوهای صلح تأکید کرده گفت: جنگ به ما تحمیل شده؛ اما مردم افغانستان به صلح پایدار تأکید دارند، صلحی که منافع ملی در آن در نظر گرفته شود.

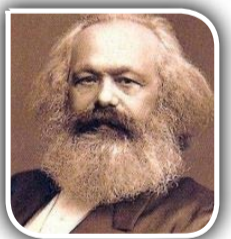
غنی گفت: ما به تمام کشورهای همسایه مراجعه کردیم و نیت خود نسبت به پاکستان را ثابت کردیم که نیت صلح را داریم و حقانیت افغانستان نسبت به صلح ثابت شده و این حقانیت ما در محراق توجه جهانیان قرار گرفته است، اما کسانی که همکاری نکردند، در انزوا قرار گرفتند

صفحه ۳

در برگ‌ها



تروریسم و پاکستان: دو رکن جدایی‌ناپذیر



در جست‌وجوی «فردیت» کم‌شده در فلسفه کارل مارکس



عمل روایت



یوسف شیردل در آستانه پیوستن به بولتون انگلیس

احمد عمران

تروریسم و پاکستان؛ دو رکن جدایی ناپذیر

موضوع و سیاست اصلی پاکستان در قبال افغانستان، به قدرت رساندن دوباره طالبان در این کشور است. پاکستانی‌ها از آغاز سقوط رژیم طالبان سراسیمه هستند و سقوط این گروه را در تقابل با استراتژی‌های کلان منطقه‌یی خود تعبیر کرده‌اند. پاکستان از همان آغاز مبارزه جهانی با تروریسم، هیچ‌گامی موافق این مبارزه نبوده و برخلاف آن، به حمایت و تسلیح گروه‌های تروریستی ادامه داده است



ادامه داده است.

از جانب دیگر، پاکستان شکست طالبان در افغانستان را شکست خود و سیاست‌های منطقه‌یی‌اش می‌داند. پاکستانی‌ها سال‌ها تلاش کرده بودند که گروهی را در افغانستان به قدرت برسانند که عملاً دست آن‌ها را در امور افغانستان باز گذارد و این کشور را به صوبه دیگری از پاکستان تبدیل کند. در زمان جنگ سرد، وقتی پای شوروی‌ها به افغانستان باز شد، بسیاری از تحلیل‌گران غربی که می‌خواستند جنگ افغانستان را توجیه‌پذیر سازند، به این فرضیه دامن زدند که شوروی‌ها در پی رسیدن به آب‌های گرم و ادغام افغانستان به عنوان شانزدهمین جمهوری خود هستند. این فرضیه بعداً پایه‌های منطقی نیافت و عملاً سیاست‌گران غربی، از دامن زدن آن در اواخر جنگ سرد دست کشیدند؛ اما از این طرف پاکستانی‌ها واقعاً برای ادغام افغانستان به عنوان یک تیوری فکر کرده بودند. آن‌ها اصل تیوری را از فرضیه ادغام افغانستان با شوروی وام گرفتند و آن را به استراتژی اصلی سیاست خارجی خود تبدیل کردند. پاکستانی‌ها پایه‌های حقوقی و منطقی نیز برای این تیوری جست‌وجو کرده بودند و هنوز هم آن را به زعم خود واقع‌گرایانه‌ترین تیوری برای ایجاد یک کشور بزرگ اسلامی می‌دانند. پاکستانی‌ها از همان آغاز سلطه طالبان بر افغانستان، زمزمه‌هایی را برای ایجاد دولت کلان اسلامی متشکل از چند کشور منطقه آغاز کرده بودند و وقتی این شکست روبه‌رو شد، این کشور در وضعیت دلهره‌آوری قرار گرفت. به همین دلیل، پاکستان نمی‌خواهد که دست از حمایت خود از گروه‌های تروریستی در خاک خود و حتی کشورهای دیگر بردارد.

سخن می‌گوید، به معنای این است که امریکایی‌ها به شواهد و مدارکی دست یافته‌اند که حمایت پاکستان از گروه‌های تروریستی را نشان می‌دهد. اظهارات آقای مکین، دیگر فرافکنی مقام‌های افغانستان نمی‌تواند پنداشته شود که بخواهند برای مشکلات داخلی‌شان داستان‌پردازی کنند. پاکستان در طول پانزده سال گذشته، سیاستی دوگانه را در رابطه با افغانستان تعقیب کرده و حالا نیز این کشور به بهانه‌های مختلف به مداخلات خود در امور افغانستان ادامه می‌دهد. بسیاری از کارشناسان به این نظر اند که پاکستان کشوری نیست که بتوان آن را با دیپلماسی و از راه گفت‌وگو به واقعیت مسایل متوجه کرد. این کشور به مار زخمی‌یی می‌ماند که در پی ضرر رسانی به دیگر کشورها برای رسیدن به اهداف سیاسی خود است. به گفته این کارشناسان، حتی اگر بحث جنجالی خط مرزی دیورند را معضل اصلی این کشور با افغانستان بدانیم و یا رابطه گرم افغانستان را با هند به عنوان کشور رقیب پاکستان در منطقه فرض کنیم که زمینه‌ساز مداخلات آن کشور می‌شود، بازهم حل کلی خط مرزی دیورند و قطع کامل روابط با هند سبب آن نمی‌شود که پاکستان دست از مداخلات خود در امور افغانستان بردارد. پس این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که پاکستانی‌ها به دنبال چیزهای دیگر، فراتر از مشکل دیورند و رابطه با هند، هستند.

موضوع و سیاست اصلی پاکستان در قبال افغانستان، به قدرت رساندن دوباره طالبان در این کشور است. پاکستانی‌ها از آغاز سقوط رژیم طالبان سراسیمه هستند و سقوط این گروه را در تقابل با استراتژی‌های کلان منطقه‌یی خود تعبیر کرده‌اند. پاکستان از همان آغاز مبارزه جهانی با تروریسم، هیچ‌گامی موافق این مبارزه نبوده و برخلاف آن، به حمایت و تسلیح گروه‌های تروریستی

جان مکین سناتور جمهوری خواه امریکا پس از سفرش به پاکستان و افغانستان، در تازه‌ترین اظهارات خود گفته است که پاکستان نه تنها از شبکه حقانی و طالبان حمایت می‌کند، بل برای این دو گروه تجهیزات نظامی می‌دهد و برای جنگ به افغانستان می‌فرستد. آقای مکین همچنین گفته است که شعارهای میان‌تهی صلح به وضعیت روان در افغانستان کمک نمی‌کند و باید دولت اسلام‌آباد در خاک خود علیه طالبان و شبکه حقانی اقدام کند و پناهگاه‌های این گروه‌ها را نابود سازد.

این در حالی است که پاکستان بر موضع عدم حمایت از گروه‌های تروریستی تأکید می‌ورزد و در واکنش به سخنان رییس جمهوری افغانستان در نشست وارسا که این کشور را به حمایت از تروریسم متهم کرد، گفته است که این‌گونه اظهارات نمی‌توانند به بهبود وضعیت منجر شوند و پاکستان خواهان صلح و ثبات در افغانستان است، اما این کشور نباید مشکلات داخلی خود را ناشی از پاکستان بداند.

جالب این‌جاست که اگر مشکلات افغانستان از ناحیه نامنی و بی‌ثبات‌سازی از جانب پاکستان نیست، پس چه گروه‌ها و کشورهایی به گروه‌های تروریستی کمک می‌کنند که این‌گونه آزادانه وارد قلمرو افغانستان شوند و به جنگ ادامه دهند؟ پاکستان شاید پانزده سال است که یک ترجیح‌بند را به صورت متواتر تکرار می‌کند و آن این‌که خواهان تأمین صلح و ثبات در افغانستان است، اما این کشور تا به امروز به صورت عملی هیچ اقدامی در جهت صلح و ثبات در افغانستان انجام نداده است. اگر در گذشته تنها مقام‌های افغانستان نسبت به مداخلات پاکستان شاکی بودند، اما امروز دیگر این مسأله به توافق عمومی در سطح جهان رسیده است. وقتی جان مکین از مداخلات آشکار پاکستان در امور افغانستان

سخن ماندگار

بی حیا باش هر چه خواهی کن!

برخی اتفاقات که در دولت وحدت ملی به قلم آقای غنی می‌افتند، چنان شرم‌آورند که کافی است تا پایان عمر این دولت برای آن گریه کنی. انتخاب یوسف نورستانی یکی از سیاه‌ترین چهره‌های روزگار ما به عنوان سفیر افغانستان در اسپانیا، از جمله همین اقدامات و اتفاقات است.

نورستانی چنان چهره منفور و شناخته‌شده در جامعه افغانستان است که به‌جز حلقه ارگ و کسانی که در انتظار رسیدن به قدرت از در قلب بودند، همه بر او لعنت می‌فرستند. کافی است که یک‌بار به شوخی عکس آقای نورستانی را در صفحات اجتماعی، آن‌هم بی‌هیچ تبصره‌یی به نمایش بگذارید، آنگاه خواهید دید که کوهی از لعنت و انزجار نسبت به او در پای آن عکس نقش می‌بندد.

نورستانی همان کسی است که انتخابات - این روند ملی را - به یک پروژه تیمی و خاینانه تنزیل داد و اعتماد مردم را از مردم‌سالاری سلب نمود و دموکراسی در افغانستان را بی‌حیثیت ساخت. البته او در این کار تنها نبود، چهره‌های منفور و خاینی مثل امرخیل و برخی از کمیشنران دیگر کمسیون انتخابات و همچنان افرادی که یک شبکه سیاه در کمسیون انتخابات ایجاد کرده‌اند، در کنارش بودند و انتخابات را از یک پروسه ملی به یک پروژه استخباراتی تقلیل دادند و از رفتن کشور به تباهی هیچ ابایی نکردند. از این رو، برخی‌ها فکر می‌کردند که پس از به بن‌بست مواجه شدن انتخابات به هدایت آقای کرزی و مدیریت یوسف نورستانی، دولت وحدت ملی که برآمده از توافق‌نامه سیاسی است، اصلاحات بنیادی را در نهادهای انتخاباتی به میان می‌آورد و حداقل یوسف نورستانی و همکارانش را از کار برکنار می‌کند. اما باور برخی دیگر نیز بر این بود که آقای غنی سود سرشاری از یوسف نورستانی برده و شدیداً مدیون قلب و خیانت او در پروسه انتخابات است و به‌حتم، پاداش او را دوبله پرداخت خواهد کرد.

سفیر شدن نورستانی بعد از کنار رفتن او از ریاست کمسیون انتخابات به همین دلیل قابل ذک بود؛ زیرا آقای کرزی نیز دو تن از کسانی را که انتخابات را به نفع او مهندسی کرده بودند، به مقام‌های رفیع وزارت ریاست رسانده بود. اگرچه در مورد آقای نورستانی این احتمال نیز وجود داشت که با توجه به میزان بلند انتقادات از خیانت و خیانت وی در تصدی کمسیون انتخابات و این‌که او کشور را به بن‌بست برد و انتخابات را بی‌نتیجه ساخت، آقای غنی از نوازش شکرآمیز او بگذرد. اما دیده شد که آقای غنی چنان مقروض نورستانی شده که نمی‌تواند او را از خود جدا کند یا به او کم‌التفات باشد. حالا انتخاب او به عنوان سفیر افغانستان در اسپانیا، با وجود مخالفت ریاست اجرایی و وزارت خارجه و مردم سراسر کشور، مصداق این جمله است که «بی حیا باش هر چه خواهی کن!»

هم انتخاب نورستانی - که نزد مردم افغانستان به عنوان یک خاین مطرح است - به چنین سمتی، بی‌حیایی در برابر مردم و توهین به شعور سیاسی این ملت از جانب رییس‌جمهور غنی شمرده می‌شود و هم اصرار نورستانی به داشتن چنین پستی، وقاحت محض از جانب او به شمار می‌آید. اگر آقای نورستانی اندکی حیا می‌داشت، به دلیل نارضایتی‌هایی که از عملکرد او وجود داشت، از پیشگاه مردم پوزش می‌خواست و هرگز هوس چنین ستم و سمتی را نمی‌کرد. اما مسلماً از آن‌جایی که نورستانی شخصیتی سفله و غیرمردمی است، داشتن چنین انتظاری از او نیز غیرمنطقی می‌باشد.

انتخاب نورستانی به صفت سفیر اسپانیا نشان داد که اخلاق در ارگ ریاست‌جمهوری، مُرده و سفله‌پروری و خاین‌نوازی به سنت حکومت‌داری آقای غنی تبدیل شده است. به‌رغم این‌همه، انتظار مردم افغانستان این است که آقای غنی از این کژروشی دست بردارد و با پس گرفتن حکمش در این خصوص، خود را از سیه‌رویی بیشتر در تاریخ نجات دهد.

پاکستان منزوی شده است



زمانی که به مکه مکرمه حمله صورت می‌گیرد و شخص حمله‌کننده پاکستانی است، پس باید در مورد سر آژدها فکر شود.

این سخنان را محمد اشرف غنی در کنفرانس روز گذشته که به هدف شریک ساختن نتایج نشست وارسا با مردم افغانستان در کاخ ریاست‌جمهوری برگزار شده بود، بیان کرد.

رئیس‌جمهور غنی در خصوص این‌که سخنان او در مورد پاکستان در نشست وارسا خشم پاکستان را برانگیخته است گفت: امیدوار هستم که قهر بعضی از همسایه‌ها موجب افتخار ملی ما شود.

غنی ضمن اینکه نشست وارسا را برای افغانستان پرده‌برداری خواند تاکید کرد: چیزی‌هایی را که ما از نشست وارسا می‌خواستیم، به دست آوردیم.

به گفته او: ناتو به ما وعده سپرد که نیروهای دفاعی افغانستان را تا سال ۲۰۲۰ تامین مالی خواهد کرد و سالانه پنج میلیارد دلار صرف نیروهای امنیتی افغانستان خواهد شد.

رئیس‌جمهور همچنان گفت: در قسمت آموزش نیروهای امنیتی نیز وعده‌هایی داده شد که در کنار سایر کورس‌ها، آموزش‌های مشخصی به نیروهای امنیتی داده خواهد شد.

وی تاکید کرد: ما توانستیم افغانستان را در محراق توجه دنیا برای جلب کمک‌ها و همکاری‌های جهانی قرار دهیم و هدف ما این بود که پیام واضح دفاعی ناتو را به قوای دفاعی و مردم افغانستان داشته باشیم.

غنی افزود: ناتو ۱۱ هزار نیروی دیگر به افغانستان خواهد فرستاد که حضور ۱۱ هزار نیروی تازه نفس تأثیرات اقتصادی نیز به همراه خواهد داشت.

به باور رئیس‌جمهور غنی: بدون شک تأثیرات اقتصادی ۱۱ هزار نیروی ناتو در افغانستان به نفع مردم ما خواهد بود.

وی در این نشست همچنان گفت: قوای هوای ما به فعالیت آغاز کرده و ما با آغاز فعالیت نیروهای هوای، کاهش تلفات و سرعت عمل داشتیم و پلان منظمی روی دست است که تا سه سال آینده قوای هوای ما روی پای خود ایستاده شود.

اشرف غنی افزود: نیروهای امنیتی ما هر شب ۱۲ تا ۱۵ عملیات را انجام می‌دهند و این نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی افغانستان ثابت کردند که توان دفاع از وطن خود را دارند.

به گفته غنی: افغانستان توانسته تا تمام وعده‌های داده شده به جهانیان در کنفرانس شیکاگو را عملی کند و به همین دلیل ناتو از ما تشکر کرد و ما باورمند شدیم که توان مبارزه با مشکلات را داریم.

او، خواست‌های جامعه جهانی از حکومت افغانستان را در بدل کمک‌های مالی تا سال ۲۰۲۰، اصلاحات در پولیس، مبارزه با فساد اداری، حقوق زنان و حقوق کودکان عنوان کرد.

رئیس‌جمهور کشور گفت: برای ما وارد شدن اطفال به صفوف اردوی ملی قابل قبول نیست و باید این مساله حل شود، ما حقوق زنان را مطابق قوانین اسلامی تامین خواهیم کرد.

غنی افزود: نهادهای دفاعی و پولیس ما به اصلاحات گسترده نیاز دارد و ما در تلاش برداشتن فساد از افغانستان هستیم و به همین منظور مرکز عدلی و قضایی را ایجاد کردیم. او تصریح کرد: مردم افغانستان شاهد

د سولې عالي شورا:

د سعودي جده کې د سولې په تړاو نړيوال

کنفرانس جوړوو

د افغانستان د سولې عالي شورا وايي چې د پخلاينې پروسې د برياليتوب لپاره له هرو ممکنو لارو هڅه کوي.

د دې شورا مرستيال عطاالرحمان سليم د دوشنبې په ورځ د ولسي جرگې استجوابيه غونډې ته وويل چې د خلکو په تېره بيا د اسلامي هېوادونو ملاتړ خپلولو لپاره د افغانستان د سولې په اړه د سعودي عربستان په جده ښار کې د اسلامي هېوادونو نړيوال کنفرانس جوړوي.

ښاغلی سليم وايي چې د اسلامي نړۍ مشهور عالمان به په دې غونډه کې په افغانستان کې د جنگ د دوام په اړه خپل نظر څرگند کړي.

دی وايي: «دوه مياشتې وروسته د سولې د عالي شورا او افغان عالمانو په ابتکار د نړۍ د عالمانو او اسلامي هېوادونو يو لوی کنفرانس د جده په ښار کې جوړېږي چې د نړۍ سلگونه عالمان به په کې گډون وکړي، دا کنفرانس به انشالله د افغانستان د کفرانس په نوم وپېژندل شي او په وړاندې به يې فتوا ورکړي.»

نوموړې دا خبرې په افغانستان کې د سولې بهير د برياليتوب لپاره د افغان لوري د هڅو د نمونې په توگه بيان کړي.

ښاغلی سليم وايي، دا مهال په غټه کچه د وسله والو طالبانو ورهاخوا د حزب اسلامي سره هم د نږدې ۱۵ ورځو راهيسې د سولې خبرې درېدلې چې دوی يې بيا پيلېدو ته منتظر دي.

هغه وايي چې د حزب اسلامي پلاوي سره په ۲۵ مادو پرېکړې ته رسېدلې خو هغه لوري د نورو شرطونو په اضافه کولو سره د سولې بهير څخه شا ته تگ کړی دی.

د سولې عالي شورا داسې مهال په افغانستان کې د جنگ بندې په اړه د اسلامي نړۍ د مشهور عالمانو او استازو



رئیس اجرایی:

کار روی اصلاحات انتخاباتی از امروز آغاز می‌شود

صورت می‌گیرد، اما در آنجا در مورد اصلاحاتی که برای مردم وعده کردیم، کشورها چشم انتظار کارهای عملی ما خواهند بود و بدون عملی کردن وعده‌هایمان نمی‌توان با دست‌آورد به این کنفرانس شرکت کرد.

دکتر عبدالله خاطر نشان ساخت: «کار روی اصلاحات انتخاباتی از فردا (امروز سه شنبه ۲۳ تیر/سرطان) آغاز می‌شود و بالای برنامه‌هایی که با رئیس‌جمهور به نتیجه رسیده‌ایم، از فردا در راستا آن کار جدی خود را آغاز خواهیم کرد.»

او گفت: انتخابات یک اصل است و بدون آوردن اصلاحات انتخاباتی ماهیت خود را از دست می‌دهد.

او بیان داشت: یک تعداد از سران کشور به دلیل عدم آغاز کار جدی روی اصلاحات انتخاباتی به شکل جدی از حکومت فاصله گرفتند، در غیر آن، آن‌ها در حمایت از حکومت و نظام قرار دارند.

او گفت: حالا که افغانستان خود مسوولیت تأمین امنیت را گرفته است، باید بالای آن‌چه که خود داریم حساب کنیم و فرصت ایجاد شده برای افغانستان را حذر ندهیم، چون این فرصت‌ها تا آخر باقی نخواهد ماند.



تربیه، امکان تعلیمی و صحتی و حفاظت از آن‌ها در جنگ‌ها بحث و تأکید کردیم.

او تصریح کرد: «ما در آستانه کنفرانس بروکسل قرار داریم که در آن همکاری‌ها در بخش ملکی، بازسازی و توسعه کشور با فساد اداری تأکید داشتند.

دکتر عبدالله اذعان داشت: در جلسه‌یی که با مشترک جامعه بین‌المللی و نمایندگان حمایت قاطع داشتیم، در مورد چگونه‌گی احترام به کارمندان خدمات صحتی، تعلیمی و

رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی می‌گوید که در راستای آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی، با رئیس‌جمهور به توافق رسیده و کار اصلاحات به‌صورت جدی فردا (امروز سه شنبه) آغاز می‌شود.

آقای عبدالله که دیروز در نشست شورای وزیران صحبت می‌کرد گفت که انتخابات یک اصل است؛ اما بدون آوردن اصلاحات ماهیت خود را از دست می‌دهد.

دکتر عبدالله مرستیال رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی در جلسه شورای وزیران بیان داشت: کشورهای مشترک‌کننده در نشست وارسا تعهدشان را در تمویل نیروهای امنیتی و هم‌چنان حمایت‌شان از حکومت وحدت ملی را تا چهار سال دیگر اعلام و تمدید کردند.

دکتر عبدالله در ادامه سخنانش افزود: افغانستان نیز در این کنفرانس تعهد سپرده که بخشی از مصارف نیروهای امنیتی را از بودجه داخلی و از عواید داخلی خود تمویل کند.

آقای عبدالله در پیوند به چگونه‌گی تصمیم کشورهای عضو ناتو برای کمک چهار ساله برای افغانستان اظهار داشت: ایستاده‌گی مردم و فداکاری نیروهای امنیتی کشور در برابر تروریستان نکته اساسی است که کشورهای عضو ناتو حمایت‌شان را از افغانستان و نیروهای امنیتی ما اعلام کردند.

به گفته رئیس اجرایی: در این کنفرانس مسوولیت‌های ما به عهده ما نیز گذاشته شد که ما باید در انجام آن تلاش کنیم و ما متعهد به انجام آن هستیم.

او گفت: کشورهای عضو ناتو هم‌چنان بر اصلاحات و مبارزه

در فلسفه کارل مارکس

در جستجوی «فرودیت» گم شده

علی رها

وقتی که نیازمندی‌ها و ابزار کیفیتی انتزاعی پیدا کنند، "انتزاع" به خصیصه روابط متقابل افراد با یکدیگر تبدیل می‌گردد. در این جا "خرد جمعی" نیز خود را به صورت عمومی تجریدی تصریح می‌کند که از نظارت اعضای اجتماع خارج است. مارکس و هگل در تفهیم کلیه موارد بالا اتفاق نظر دارند. ریشه اختلاف مارکس با هگل در

چه‌گونه‌گی رفع تعارضات جامعه مدنی نهفته است.

به دیده مارکس، هگل در عین اذعان به خصلت اتومی اجتماع معاصر، در صدد است که مجموعه پراکنده عرصه‌های تضادمند خصوصی را در کلیتی انتزاعی متحد کند. "ماتریالیسم" جامعه مدنی نیازمند روح و عقلی جامع است. اما هگل "ذهن عام" را در "خودآگاهی بالفعل شهروندان و روح اجتماعی آنان" جست‌وجو نمی‌کند. خود هگل تأیید می‌کند که دولت از سوئی در حکم "ضرورتی خارجی" و قدرتی مافوق است، اما از سوی دیگر استدلال می‌کند که دولت غایتی است که در بطن جامعه مدنی حضور داشته و توانمندی‌اش وابسته به وحدت اهداف عامش با منافع خاص افراد می‌باشد.

مارکس در این ادعای هگل تعارضی حل ناشدنی را تشخیص می‌دهد و تأکید می‌ورزد که یک عامل وحدت‌بخش خارجی نمی‌تواند واسطه دوگانگی انسان به مثابه یک "بورژوا" و یک "شهروند" باشد، چرا که یکی در درون خود آرزوها، آمال، نیازمندی‌ها و انتظارات دیگری را برآورده نمی‌کند. انسان بیش از یک "شهروند" و زنده‌گی انسانی فراتر از موجودیت سیاسی است. لذا به عوض یک دولت سیاسی، مارکس مفهوم دموکراسی اجتماعی را طرح می‌کند که از خصلتی سیاسی برخوردار نیست. به دیده وی، "دموکراسی سیاسی" با این‌که در مقایسه با حکومت مطلقه، قدم تاریخی بزرگی به جلو می‌باشد، هدف آزادی اجتماعی نیست. انقلاب فرانسه "روح سیاسی" را آزاد کرد، ولی نتوانست عناصر مادی و معنوی سازای جامعه مدنی را به آزادی برساند. در یک دموکراسی سیاسی، انسان قدرتی والا است اما همچون انسانی که "خود را گم کرده، بیگانه شده و تحت سلطه شرایطی غیرانسانی قرار گرفته باشد. یعنی انسانی که هنوز هم‌نوعی واقعی نیست."

به نظر وی، خصیصه بنیادین "دموکراسی حقیقی" در این است که انسان هستی انسانی یافته باشد، حال آن‌که او در سایر اشکال فقط یک هستی حقوقی دارد. در این دموکراسی، اصول صوری و مادی قرین یکدیگرند؛ یعنی هم شکل است و هم محتوا که وهله حاکم بر آن دیگر دولتی انتزاعی نیست. بنابراین مارکس نتیجه می‌گیرد که "در یک دموکراسی حقیقی، دولت سیاسی ناپدید می‌شود." (ص ۳۱)

مارکس به دلایلی که در حوصله این نوشتار نیست، از انتشار این "نقد" در شکل کنونی‌اش منصرف شد. ولی بلافاصله پس از "اتمام" آن، در حین ادامه تحقیقاتش دوباره درگیر فعالیت مطبوعاتی گردید؛ ابتدا در "سالنامه‌های فرانسوی - آلمانی" و سپس در نشریه "وروارت". او در جستاری «درباره

بخش سوم

مسأله یهود» که درست پس از "نقد" به قلم کشید و در بهار ۱۸۴۴ منتشر ساخت، مضامین "نقد" را بازتولید می‌نماید. او در این‌جا در یکی از عالی‌ترین بیانات خود، سرشت ایجابی آزادی را بدین نحو توصیف می‌کند: "فقط هنگامی که فرد بالفعل انسانی، شهروند تجریدی را به خود بازگردانده باشد، وقتی که توانمندی اجتماعی خویش را به‌وجهی ادراک و سازمان‌دهی کرده باشد که دیگر قدرت اجتماعی همچون نیرویی سیاسی از او جدا نشده باشد، فقط در چنان موقعی است که رهایی انسانی کامل می‌گردد." (ص ۱۶۸)

۳- نقطه عطفی در تکامل فکری مارکس مارکس که فضای حاکم بر آلمان را خفقتانی می‌دید و امکانی برای فعالیت آزاد نمی‌یافت، در اواخر اکتوبر ۱۸۴۳ رهسپار پاریس می‌گردد. او قبل از حرکت در نامه‌یی به آرنولد روگه پاریس را "مرکز همایش اذهانی مستقل و واقعا متفکر" ارزیابی کرده و جهت تأسیس نشریه‌یی به قصد "نقد بی‌امان تمامی شرایط موجود، اندیشمندانی چون فرترباخ، پرودون و باکونین را به همکاری دعوت می‌کند. اما به‌زودی چنان تحول عمیقی در خودفهمی و پالایش افکار مارکس به‌وقوع می‌یوندد که دیگر جمع و جور کردن گرایش‌هایی متعارض حول یک حرکت نظری و عملی جدید را ناممکن می‌سازد.

مارکس طی اقامت خود در پاریس (پایان ۱۸۴۳ تا جنوری ۱۸۴۵)، بیش از ۹ دفتر یادداشت از خود باقی می‌گذارد که دربردارنده مطالعه فشرده آثار نویسندگانی است همچون آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، جیمز میل، سیسموندی، ژان باتیست سی، مک کلوخ، بنتهام، فردریک انگلس و غیره. این یادداشت‌ها همچنین حاوی مطالعه مجدد «پدیدارشناسی روح» هگل، به‌ویژه فصل نهایی آن، "دانش مطلق" است. ماحصل این مطالعات، نگارش کتاب نسبتاً کاملی است که به «دست‌نوشته‌های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴» شهرت یافته‌اند. او این اثر بنیادین را بین اپریل و اوت به قلم کشید و در فبروری ۱۸۴۵ با ناشری در دارمشتات قرارداد چاپ آن را امضا کرد که به‌دلایلی عملی نگشت.

مطالعه دقیق این دست‌نوشته‌ها معلوم می‌سازد که مارکس با این اثر منظومه فکری جدیدی را پایه‌گذاری می‌کند که در سراسر عمر خود بدان وفادار می‌ماند. عمیق‌ترین دستاورد وی ارایه برداشت کاملاً نوینی از آزادی است که در پرتو ادراک رابطه انسان با "کار" قابل تشخیص می‌باشد. او اذعان می‌کند که کشف نیروی کار توسط اسمیت و ریکاردو حاوی نقطه عزیمتی تازه بود. اما اقتصاد سیاسی، "کار" را صرفاً به عنوان "جوهر" یا منشای ثروت و ارزش ادراک می‌کند، درحالی‌که مارکس این جوهر را همچنین به عنوان "سوز" معرفی می‌کند.

به قول او، اقتصاد سیاسی انسان را فقط به مثابه "کارگر" یا فعله مد نظر دارد. لذا بیرون از محیط کاری، وضعیت وی را به "قانون جزایی، پزشکان، دین، جدول‌های آمار، سیاست و سرپرستان خانه بینوایان" واگذار می‌نماید. بنابراین ضروری است که به ورای اقتصاد سیاسی رفته و پرسش کنیم: "در سیر تکامل انسان، نزول قسمت اعظمی از بشریت به کار انتزاعی چه معنایی دارد؟" (کلیات آثار ۳، ص ۲۴۱) یعنی چرا "ماده‌یی مرده بر انسان سلطه‌یی کامل پیدا کرده است"، (ص ۲۶۷) چرا "بی‌ارزش شدن جهان انسانی با رشد ارزش در جهان اشیاء ارتباطی مستقیم پیدا کرده است"، (ص ۲۷۲) چرا انسان هرچه بیشتر تلاش می‌کند سیطره جهان مصنوعات بیگانه‌یی که می‌آفریند، توان‌مندتر شده و دنیای درونی‌اش فقیرتر می‌گردد؟ "اقتصاد سیاسی با بی‌توجهی به رابطه مستقیم کارگر (کار) با تولید، بیگانه‌گی نهفته در سرشت کار را پنهان می‌سازد." (ص ۲۷۳) پس باید پرسید: "رابطه اساسی" کاری چیست و بیگانه‌گی انسان از کجا ناشی می‌گردد؟

منبع: سایت فلسفه نو

بخش هفتم



قرآنی روان‌شناسی

نویسنده: دکتر مصطفی محمود
مترجم: سیداحمد اشرفی

روان‌شناسی جدید به «عذاب» و «رنج روانی» نیز از همین دریچه نگاه می‌کند و آن را ثمره محرومیت از لذت‌های مادی می‌انگارد و نمی‌تواند تصور کند که ممکن است آن، امتحان و ابتلایی از جانب آفریدگار باشد؛ مانند آهنگری که آهن را در آتش می‌گذارد، سپس آن را در آب سرد می‌افکند تا طلای خالص را از مس و از چرک و کثافات جدا کند. و به این ترتیب، روان‌شناسی در زندان همین محدوده تنگ مادی حسی، باقی می‌ماند و همه چیز را از همین زاویه می‌بیند و از این جهت در همه نتیجه‌گیری‌ها و تشخیص‌هایش به خطا می‌رود. این روان‌شناسی مانند همان کوری است که تنها دم‌فیل را به دست گرفته و گمان کرده که این خود فیل است.

روان‌شناسی جدید، سلوک و فعالیت‌های انسان را در محدوده کنش و محرک آن محدود می‌کند، بدون این‌که به سوی شناخت انگیزه و هدف اصلی آن گام بردارد و از اراده صاحب آن بپرسد که «آیا او آن را به‌خاطر کسب ثروت و شهرت، یا مقام و منزلت دنیوی انجام داده یا خالص به‌خاطر رضای پروردگار؟» البته فرق زیادی میان این دو نوع کنش و این دو نوع روحیه و روان وجود دارد. در نظر نگرفتن این فرق، اخلاق را از اهداف والا و منبع اصیل آن یعنی دین، جدا می‌کند؛ زیرا که تنها مصدر و منبع اخلاق، دین است و همه رفتارهای اخلاقی از قبیل رحمت و مهربانی، محبت و بخشاینده‌گی، سخاوت و کرم از جانب خدا می‌باشد و چنان‌چه از نام‌های نیکوی وی برمی‌آید، تنها او بخشنده و مهربان و سخی و دوستدار و دوست‌داشتنی و با رأفت و حلیم و بردبار است، و اوست که با این صفات اخلاقی به هر کسی که سزاوار آن باشد، تجلی می‌کند و این سجایای نیکو را در وی می‌کارد و پرورش می‌دهد.

این جاست که روش روان‌شناسی نوین، در مداوای بیماری‌های روانی، با روش قرآنی و دینی کاملاً متفاوت می‌شود. از نظر روان‌شناسی نوین، آوردن تغییر و تحول بنیادی و جوهری در نفس و روان آدمی، غیرممکن است؛ زیرا خصوصیات روحی و روانی آدمی، در پنج سال اول کودکی‌اش شکل می‌گیرد، لذا برای روان‌پزشک در مداوای وی، نقشی باقی نمی‌ماند جز این‌که خواهش‌ها و خاطرات سرکوب‌شده او را از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر خودآگاه وی بیرون کند، یا پنجره‌هایی را در روان وی برای بیرون کردن رنج‌های درونی و تخفیف غلیان و آتش نهانی‌اش باز نماید. برای رسیدن به این مأمول، روان‌پزشک به تنویم مغناطیسی (هیپنوتیزم) و یا تلقین پناه می‌برد و یا این‌که بیمار را وادار می‌کند تا هرچه در دلش می‌گذرد، بی‌پرده به وی بیان کند و از این طریق، خود را تخلیه نماید و یا به وی توصیه می‌کند که به هنر، بازی یا غرق شدن در کار شباروزی ماشینی و یا به اشباع همان خواهش‌ها به‌طور مستقیم بپردازد. اما تمام این تداوی‌ها، شبیه به تداوی سرطان با مرهم‌ها و مسکنات می‌باشد. روان‌شناسان وجود دملی علاج‌ناپذیر در روان بیمار را می‌پذیرند و بعد از آن به بیمار می‌گویند: چیغ بزن، ناله کن، برقص و آواز بخوان تا دردها و رنج‌های روحی‌ات خالی شود و یا با بیرون کردن رنج از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر خودآگاه، دست بیمار را می‌گیرند و در سر دممل می‌گذارند و به او می‌گویند که دملت در این‌جا است. این است همه کوششی که آن‌ها برای مداوای بیمار خویش انجام می‌دهند.

اما دین بیرون کردن نفس از تاریکی‌های حیوانیت به انوار حضرت ربوبیت و از حقیض شهوات به آخرین درجه کمالات اخلاقی و در یک کلمه، دگرگون کردن اساسی و ریشه‌یی نفس را از طریق ریاضت و مجاهدت ممکن و میسر می‌داند. ریاضت و مجاهدت چندین مرحله دارد: مرحله اول عبارت است از تخلیه نفس از عادت‌های زشت و مذموم و آن از طریق اعتراف به گناه و عیب ممکن می‌شود.

ژان میشل آدم - فرانسواز رواز
برگردان: آذین حسین زاده - کتابیون شهپرراد
اگر روایت را عمل تولید داستان یا «فرآیند» تعریف کردن بنامیم، این نکته باقی می ماند که مشخص کنیم «چه کسی» روایت می کند و «چه گونه» این کار را انجام می دهد. بالزاک، مدت ها پیش از پیدایش تیوری روایت شناسی مدرن، در مقدمه رمان زنبق دره، در سال ۱۸۳۶ نوشت:

«استفاده از «من» برای نویسنده، عاری از خطر نیست. اگرچه انبوه خواننده گان افزایش یافته است، اما میزان آگاهی جمعیت متناسب با آن زیاد نشده است. [...] فراوانند افرادی که امروزه نیز زحمت بیهوده‌یی می کشند تا احساسات نویسنده را با احساساتی که به شخصیت هایش اسناد می دهد، در یک ردیف قرار دهند، و اگر نویسنده از واژه «پرننگ» استفاده کند، ممکن است همه‌گی این افراد او را با راوی اشتباه بگیرند.»

بالزاک، در این جا، آشکارا به سه دسته شخصیت در داستان اشاره می کند: ۱- شخصیت (های) بازیگر(ان)، ۲- راوی ۳- نویسنده.

۱. از خارج از متن تا خود متن
الف. سازنده داستان: انسجامی بسیار مبهم

در گفت و گویی که در نشریه لوموند «۳۶ ژوئیه ۱۹۹۱» در زمینه کتاب شهر شیشه‌یی منعکس شد، پل استرا نویسنده امریکایی، دسته بندی بالزاک را این گونه تفسیر کرد:

«نکته‌یی در رمان ها وجود دارد که توجه مرا بسیار به خود جلب می کند. اسمی را روی جلد کتاب می بینیم که خوب طبعاً اسم نویسنده است. اما کتاب را که باز می کنیم، صدایی که در آن صحبت می کند، صدای نویسنده نیست، صدای راوی است. این صدا به چه کسی تعلق دارد؟ اگر این صدا صدای نگارنده به عنوان یک انسان نیست، بنابراین صدای خالق اثر است، و این یعنی خلاقیت. بنابراین دو شخصیت در این جا وجود دارد [...] ... در زنده گی خودم گسسته گی عمیق میان من و مردی که کتاب ها را می نویسد، احساس می کنم. من در زنده گی خودم کم و بیش می دانم چه کار می کنم. اما هنگامی که می نویسم، کاملاً گم شده ام و نمی دانم این قصه ها از کجا می آید.»

این مطلب بسیار به اظهارات پروست در کتاب علیه سنت بوو ۲ نزدیک است: کتاب حاصل منی دیگر است؛ منی که با آن چه ما در عادات مان، در جامعه مان و در زنده گی مان از خود بروز می دهیم، متفاوت است.

آن چه در مورد ادبیات صادق است، در رابطه با هر گونه روایتی نیز مصداق دارد. زبان شناس و نظریه پرداز ادبی روس، میخائیل باختین، ویژه گی کل روایت را به نحوی بسیار جالب توجه از قرار زیر به تصویر می کشد:

«اگر حادثه‌یی را که برایم رخ داده است، شفاها روایت کنم (یا از طریق

نوشتر آن را نقل کنم)، از همان بدو امر، به عنوان راوی «یا نویسنده» از زمان و فضایی که ماجرا در آن رخ داده است، منفک خواهم بود. این امکان وجود ندارد که بخواهم من خودم را با منی که از آن حرف می زنم، یکسان فرض کنم.»
«زیبایی شناسی و نظریه رمان، ۱۹۷۲، ص ۳۹۶»

ب. دوگانه گی شخصیت های روایت

نگارنده واقعی، هنگامی که شروع به نقل کردن می کند، برای خود «خواننده/شونده» بی تصور می کند که، امبرتواکو، می توان او را «الگومند» نامید. خواننده الگومند چیزی نیست مگر تصویری که سازنده داستان خلق می کند تا حرف های خود را به کمک وی سامان دهد. همان گونه که اساتید فن بیان در ایام قدیم نیز می گفتند، برای صحبت کردن باید نخست شونده‌یی را برای خود بازنمایی کرد و آن گاه سخن پردازی خود را با این مخاطب خیالی تطبیق داد.
شخصیت خواننده باید حتماً شخصیتی دوگانه باشد،

متشکل از خواننده خیالی «الگومند» و خواننده واقعی که داستان را در روزنامه، در تخت یا در کتابخانه می خواند. هم چنین نگارنده نیز، به نوبه خود، عامل بازنمایی تخیلی تمامی آنانی است که حین داستان (به صورت نوشتار یا گفتار) تصویری از نویسنده الگومند و ایجادگر پدید می آورند. تصویر فوق البته، بسته به شخصیت های گوناگون، فاصله خود را با شخصیت نگارنده یادآور می شود.

۲. موقعیت روایی

روای، جزیی است از متن. در این میان ممکن است چهره‌یی یکی از شخصیت ها را برای بازنمایی خود برگزیند (با استفاده از ضمیر من، یا فردی با هویت کامل و دارای اسم خاص). نویسنده ممکن است تنها به شکل صدایی روایی باقی بماند. وضعیت های گوناگون و محتمل روای را می توان به این گونه خلاصه کرد:

توسط روایت متوالی راویان مختلف قطع می شود. البته ممکن است این کار به بسط و گسترش عمیق روایت نخستین نیز منتهی شود. چنین امری هنگامی رخ می دهد که هر راوی جدیدی عنان کلام را به دست یکی از شخصیت ها بسپارد و شخصیت مزبور نیز به نوبه خود به این کار ادامه دهد.

ب. روابط موجود میان روای و داستان

ژرار ژنت با توجه به وجود رابطه هم سانی میان چهره های روای و شخصیت های داستانی که توسط وی به وجود آمده اند، یا عدم وجود این روابط، مطلب نوینی را به آن چه پیش از این در مورد تمایز سطوح دربرگیری روایات ابراز شده بود، می افزاید.

وزیر یا پدر شهرزاد که قصه الاغ، گاو، و مرد کشاورز را تعریف می کند، خود یکی از شخصیت های داستان هزار و یک شب محسوب می شود (به شکل راوی درونی داستانی). اما در این میان خود او با حکایت

عکس روایت



«از شوالیه دوگریو که بیش از یک ساعت از وقت خود را صرف این داستان کردند، خواهش می کنم کمی بیاسایند و ما را در شام همراهی کنند. ایشان باید دقت ما را حمل بر آن کنند که با میل وافر به گفته های شان گوش سپرده ایم. اطمینان داریم که در ادامه داستان به نکاتی بس جذاب تر خواهیم خورد، و هنگامی که صرف شام خاتمه یابد، دنباله داستان را از زبان ایشان خواهیم شنید.»

تنها حالتی را که در صورت فقدان روایات قید شده در روایت اصلی می توان متصور شد، از قرار زیر است:

پدیده شکل گیری که مفهوم سطح دربرگیری روایت نیز از آن ناشی می شود، باید مجزا مورد بررسی قرار گیرد: «ویژه گی درون داستانی روایت در اغلب اوقات [...] چیزی نیست مگر شگردی در نمایش.» «ژرار ژنت، ۱۹۸۳.»

ژیل بلاس را، هنگامی که خود به تعریف داستان خود می پردازد، می توان راوی سهیم در داستان قلمداد کرد. درست مانند سندباد بحری یا شوالیه دوگریو. راوی مزبور را تنها هنگامی می توانیم برون داستانی فرض کنیم که او را با تعدد راویان «درون داستانی» داستان های دربرگرفته شده در کل داستان نخستین توسط ژیل بلاس «اول شخص» قیاس کنیم. غالب متن ها میان دو قطب متفاوت این جدول در نوسان است. به این ترتیب، دکتر ریو، در طاعون شخصیت داستانی رمان آلبر کامو محسوب می شود:

«... صبح شانزدهم آوریل [اپریل] از دفتر خود خارج شد، وسط سرسرا پایش به موش مرده‌یی خورد.» اما در انتهای رمان متوجه می شویم که دکتر ریو همان راوی است: «... بدین سان، دکتر ریو تصمیم گرفت داستانی را که اینک خاتمه می یابد بنویسد.» راوی سوم شخص داستان فوق که در آن واحد هم اصلی ترین نظاره گر، و هم بازیگر داستان است، از جایگاهی میان حد فاصل راوی (A) اول شخص و راوی (A) سوم شخص برخوردار است.

پ. گیرنده روایت

گیرنده روایت که هم قرینه روای است، و هم در صحنه داستان وارد می شود، در حقیقت چهره نوشتاری نویسنده/ خواننده است. شهرزاد پیش از آن که برای سرگرمی شهریار، «گیرنده روایت»، در داستان های هزار و یک شب حکم راوی داشته باشد، نقش گیرنده روایت را هنگام گوش فرا دادن به حکایتی که پدر برای او نقل می کند دارد:

متن شماره ۳۴

«پدر، چه اتفاقی برای الاغ و گاو و مرد کشاورز افتاد [پرسش از سوی گیرنده روایت است] وزیر در پاسخ گفت:

- داستان آن ها از این قرار است [پاسخ از سوی راوی است] [...]

به این جای داستان که رسیدند، وزیر سخنانش را قطع کرد تا شهرزاد [گیرنده روایت] را اندرز دهد [...]

- می توانی بگویی چه بلایی سر آن بی چاره آورد؟ [پرسش مجدد گیرنده روایت]

- به آخر داستان گوش کن...

[...] پس از پایان داستان وزیر روبه دخترش کرد و گفت [...].»

داستانی که برای دخترش نقل می کند تا او را مجاب کند به ازدواج سلطان در نیاید، به شکل غیر سهیم در داستان، از نوع «روایت سوم شخص» ایفای نقش می کند. همین رابطه در مورد داستان سیرایی های شهرزاد برای سلطان نیز مصداق می یابد.

در مقابل، سندباد بحری در ماجرای سندباد بحری (داستانی مجزا از حکایات هزار و یک شب) همانند شوالیه دوگریو، با حوادثی که نقل می کند، رابطه‌یی از نوع سهیم در داستان ایجاد می کند: در این جا، سندباد نه تنها شخصیتی است شاهد، بلکه قهرمان اصلی داستان نیز هست (که در نتیجه، از این روایت باید به منزله داستان خود راوی یاد کرد). رنانکور، که خود را نویسنده داستان دوگریو معرفی می کند، راوی اول شخص داستان اصلی مانون لسکو است. اگر پاراگرافی که نخستین بخش رمان را از سومین بخش آن تفکیک می کند مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که او، یعنی رنانکور، به تناوب هم برون داستانی است (راوی روایت دربرگیر) و هم درون داستانی:

الف. میزان دربرگیری روایت

پهنه های داستانی گوناگون می تواند توسط راویان گوناگون عرضه شود. شخصیت می تواند خود به داستان گویی بپردازد و بدین سان مبدل به راوی قصه (داستان دوم) شود. البته این امکان نیز وجود دارد که این راوی یکی از شخصیت های داستان باشد، یا نباشد. راوی نخست روایت دربرگیر را - که صرفاً صدایی است ناشناس و یا دارای هویت - راوی برون داستانی می نامند، حال آن که راوی که حین در بر گرفته شده صحبت به او واگذار شده است [راوی] درون داستانی نامیده می شود. چرا که او خود یکی از شخصیت های داستان دربرگیر است. این مطلب هم در مورد شوالیه دوگریو در داستان مانون لسکو صادق است، و هم در مورد هزار و یک شب یعنی ابتدا درباره وزیر، یعنی پدر شهرزاد، و سپس در مورد خود شهرزاد، که خوب می دانید کمی بعد مبدل به راوی می شود.
این تغییر سطح در روایت ممکن است به صورت خطی جلوه گر شود: در این صورت، روایت نخستین پیوسته

پانویس ها:

1- Paul Auster

2- Contre SAint-Beuve

3- MAnon LesCAut

تحلیل انواع داستان (رمان، درام، فلم نامه)

ژان میشل آدم - فرانسواز رواز

ریاست اجرایی:

تقرر نورستانی تعهد ما به اصلاحات را زیر سوال می برد

روح الله بیزاد

ریاست اجرایی از تقرر یوسف نورستانی به عنوان سفیر افغانستان در مادرید ابراز بی خبری می کند و می گوید که اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، تعهد رهبران حکومت در زمینه اصلاحات و مبارزه با فساد زیر سوال می رود.

جاوید فیصل معاون سخن گوی ریاست اجرایی در مصاحبه با روزنامه ماندگار می گوید: از فرمان تقرری یوسف نورستانی رییس پیشین کمیسیون انتخابات به عنوان سفیر افغانستان در اسپانیا از طریق شبکه های اجتماعی خبر شدیم که امیدواریم حقیقت نداشته باشد.

آقای فیصل در ادامه می افزاید: مسوولان حکومت وحدت ملی در قدم نخست برای مردم افغانستان و در قدم دوم برای جامعه جهانی تعهد سپرده اند که بر ضد فساد مبارزه و برای آوردن اصلاحات کار می کنند؛ اگر تقرری آقای نورستانی به عنوان سفیر افغانستان در اسپانیا حقیقت داشته باشد، تعهد ما برای آوردن اصلاحات و مبارزه و عملکرد ما در قسمت فساد اداری زیر سوال می رود.

به تازه گی رییس جمهور محمد اشرف غنی طی حکمی یوسف نورستانی رییس پیشین کمیسیون مستقل انتخابات را به عنوان سفیر افغانستان در اسپانیا تعیین کرده است.

یوسف نورستانی، متهم به مهندسی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ افغانستان است. تحت مدیریت او، انتخابات افغانستان به یکی از بدنام ترین انتخابات های تاریخ مبدل شد.

مردم و تحلیلگران نورستانی را متهم به خیانت به آرای مردم می کنند و می گویند که جای او زندان است، نه سفارت.

در حکم رییس جمهور آمده است: «به تاسی از فقره (۱۳) ماده (۶۴) قانون اساسی افغانستان و با استفاده از تجارب و اندوخته های علمی اشخاص خبره، تقرر احمد یوسف نورستانی را به حیث سفیر جمهوری ۱.۱ در مادرید کشور شاهی اسپانیا، اعتبار از تاریخ مواصلت اگریمان، منظور است.»

این در حالی است که طبق توافق نامه سیاسی حکومت وحدت ملی که در پی بحران انتخابات ۱۳۹۳ به میان آمد، معرفی افراد حکومتی باید بر اساس توافق ریاست جمهوری و ریاست اجرایی صورت گیرد.

تقرر یوسف نورستانی به حیث سفیر افغانستان در اسپانیا طی سه روز گذشته واکنش های تند فعالان سیاسی، فعالان جامعه مدنی و شهروندان کشور را در شبکه های اجتماعی و رسانه ها در پی داشته است.

هوشمند فرارودی یکی از کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک در برهانش نگاه داشته است: آنهایی که به جرم خیانت ملی باید در سلول های تنگ زندان نفس شان گیر بیفتد، آزادانه و با افتخار صاحب موقعیت های مهم

بازداشت یک شبکه سه نفری سازمانده حملات انتحاری و ساخت ماین در کابل



ریاست عمومی امنیت ملی کشور گفته است که ماموران این اداره، سه نفر را در کابل بازداشت کرده اند که در راه اندازی حملات انتحاری و ساخت ماین های عیار شده به سیستم تلفن و مغناطیسی دست داشته اند.

این اداره در خبرنامه ای که روز دوشنبه منتشر کرده، گفته است که این سه نفر از ساحه خواجه رواش در مربوطات ناحیه نهم شهر کابل بازداشت شده اند.

بر اساس خبرنامه، آنان در تحقیقات اعتراف کرده اند که در فعالیت های تروریستی از جمله انفجار موتر مالک دوکان فروش لوازم ورزشی UK سپورت، انفجار یک موتر پولیس در یکه توت کابل، انفجار ماین در نزدیک خانه فهیم هاشمی مالک تلویزیون یک، اقدام به ترور یک کارمند امنیت ملی و نگهداری یک مهاجم انتحاری نقش فعال داشته اند.

امنیت ملی گفته است، از مخفیگاهی که این افراد بازداشت شده چهار میل تفنگچه، ۲۱ ماین عیار شده به سیستم تلفن، دو ماین مغناطیسی، سه سرگلوله راکت، دو بمب دستی و مقداری دیگر وسایل و مواد منفجره به دست آمده است.

خطابه یی برای سران...

عدم همسویی هاست و ضمناً عدم پیروزی حکومت در امور امنیتی، بلندپایگان حکومت را مجبور به اقدامات فردی و خارج از روش های معمولی نموده است.

رهبری و فرماندهی جنگ های شمال کشور از طرف جناب جنرال دوستم و اعلان موضع گیری ها و عملیات جهت بهبود اوضاع از جانب استاد عطا محمد نور، به وضاحت شرایط نابسامان کشور و عدم توانایی حکومت وحدت ملی را به نمایش می گذارد.

جناب رییس جمهورا حکومت وحدت ملی صرفاً به مفهوم تقسیم قدرت و کاربرد قدرت در جهت ارضای هوس های قدرتمندانه و توسل به تصامیم عاطفی و غیرعلمی خلاصه نمی شود. داستان غم انگیز این است که «میلیون ها تن در داخل کشور با درد و رنج و غم و هزاران ناگواری دست به گریبان اند و میلیون ها تن دیگر در سرزمین های بیگانه به امید زنده گی بهتر رنج می برند و ذلت می کشند». این داستان به پایان نمی رسد مگر آن که دست اندرکاران قدرت با درک مسوولیت و رسالت ملی و با گذشت از منافع فردی، گروهی و خانواده گی و قبول اینار، به منظور حصول اهداف و خواست های ملی، کاری انجام بدهند.

کار و پیکار در جهت مبارزه با نابسامانی های کشورهای، محتاج پلان گذاری های عالمانه، عادلانه و کارشناسانه است که حکومت وحدت ملی بنا بر خاصیت کثرت گرا (ترکیب نامتجانس و فاقد هماهنگی ممثل قدرت حاکمه) و ناهمگون خود نتوانسته است به این مأمول نایل گردد.

اوضاع نابسامان کشور مستوجب آن است که حکومت وحدت ملی از محفظه قدرت متنفذین با فراتر گذاشته و در سطح ملی با مراجعه به توانایی های ملی (بدون توجه به ارتباطات با متنفذین قومی) و با پلان گذاری های علمی، به داستان غم انگیز ملت افغانستان رسالت مندانه نقطه پایان بگذارد.

میان جگری او، دو طرف به ایجاد حکومت وحدت ملی موافقت کردند.

پس توافق طرف های درگیر در بحران انتخابات و ایجاد حکومت وحدت ملی، پس سپری شدن هجده ما از عمر این حکومت، یوسف نورستانی نتایج انتخابات را طی یک کنفرانس خبری اعلان کرد که با واکنش تند ریاست اجرایی و آگاهان سیاسی قرار گرفت و این کار آقای نورستانی و کمیسیون مستقل انتخابات را مضحک و مسخره کردن مردم خواندند.

بعد از آن که محمد اشرف غنی فرمان تقنینی اصلاح نهادهای انتخاباتی را امضا کرد و بر بنیاد این فرمان باید اعضای موجود نهادهای انتخاباتی جای خود را به افراد جدیدی می دادند.

در این میان اتحادیه اروپا، به عنوان تأمین کننده اصلی هزینه انتخابات ها در کشور نیز اعلام کرد، تا زمانی که اصلاحات گسترده در کمیسیون ها و نظام انتخاباتی در افغانستان ایجاد نشود، آن ها هزینه برگزاری انتخابات را نخواهند پرداخت.

سر انجام آقای نورستانی تقریباً دو سال پس از انتخابات جنجالی و بدنام ریاست جمهوری ۱۳۹۳ و قبل از برگزاری انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولسوالی ها در ۷ حمل سال جاری از سمتش استعفا کرد.

او پس از استعفا خود گفته بود که به خاطر پایان یافتن فشارهای داخلی و خارجی بر حکومت وحدت ملی از مقامش استعفا داده کرده است، اما بسیاری از آگاهان بر این باوراند که نورستانی بازبچه یی در دستان حامد کرزی و اشرف غنی بود و است که در زمان انتخابات ۹۳ کرزی با این عروسک کوکی بازی کردند.

پس از استعفا او سر و صداهای در شبکه های اجتماعی و رسانه ها پخش شد که گویا رییس جمهور در پی تعیین او به حیث سفیر افغانستان به اسپانیا است.

در آن زمان نیز شمار زیادی از سیاسیون، نماینده گان شورای ملی، فعالان مدنی و شهروندان نورستانی را در پیوند به تقلب در انتخابات سال ۱۳۹۳ و به بحران کشیدن این روند مقصر می دانستند و حتا خواهان محکمه دست اندرکاران کمیسیون های انتخاباتی بودند.

دکتر محمد یوسف نورستانی در سال های حکومت حامد کرزی رییس جمهوری پیشین کشور در سمت های مختلف دولتی کار کرده است. او در دوره انتقالی وزیر منابع آب و محیط زیست بود و پس از آن در سمت های مشاوریت ارشد ریاست جمهوری، معاون وزارت دفاع و والی هرات مشغول بوده است. او از اهالی ولایت نورستان و از قوم نورستانی است و او مدرک دکتری خود را از دانشگاه آریزونای امریکا از رشته جامعه شناسی به دست آورده است.

دیپلماتیک و سیاسی می شوند.

آقای فرارودی در ادامه یادداشت خود آورده است: وقتی نورستانی و زاخیوال سفیر می شوند، فاروق وردک مشاور عالی و ستار سعادت در سکوی شکایات انتخاباتی عربده می کشد، چگونه بر سعادت و صلح و برادری برسیم؟ با این روال، رفاه و سعادت و آزادی و برابری ما را حرام باد، حرام مطلق! او اضافه می کند: پس از این همه رسوایی و ذلت، با کدام روی به چشمان مردم می بینید و هوس بر گشت آن ها از اروپا را دارید.

عبدالحی خراسانی، کاربر دیگر شبکه اجتماعی فیسبوک نوشته است: رییس جمهوری مغایر روند جاری و معمول قانونی در کشور، بدون رعایت شأن حقوقی وزارت امور خارجه، یکی از فاسدترین موجودات معاصر کشور را به حیث سفیر مقرر کرده است.

آقای خراسانی در ادامه نوشته است: کسی که می بایست امروز در زندان می بود و به جرم خیانت به آرای مردم افغانستان مجازات می شد، به اسپانیا فرستاده می شود تا مکافات تقلب به نفع اشرف غنی را دریافت کند.

عطیه مهربان، کاربر دیگری است که از تقرر یوسف نورستانی به حیث سفیر به شدت شوکه شده و در برگه فیسبوک خود نوشته است: وقتی نورستانی با دار و دسته اش میلیون ها رأی را به نفع تیم «تحول و تداوم» تقلب کرد و غنی را مفت نه تنها رییس جمهور، بلکه همه کاره ملت ساخت، پس نباید انتظار داشت که او طرد شود و در انزوا قرار گیرد.

او افزوده است: غنی منت دار نورستانی است و این که او وزیر داخله یا خارجه نشده است باید شکر کرد. به زودی هم شاید شاهد تقرری امرخیل در صورتی که خواب رییس پارلمان شدن از سرش پریده باشد و دیگر کمیشنران متقلب هم خواهیم بود.

محمد یوسف نورستانی به تاریخ ۱۲ اسد سال ۱۳۹۲ از سوی حامد کرزی رییس جمهور پیشین، جاگزین فضل احمد معنوی به عنوان رییس کمیسیون مستقل انتخابات تعیین شد.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ که مدیریت آن به دست آقای نورستانی بود، به دلیل تقلب های گسترده و عمیق از سوی شماری از چهره ها به شمول یوسف نورستانی و ضیال الحق امرخیل، رییس دارالانشای این کمیسیون به بحران کشیده شد و به دور دوم رفت.

پس از جنجال ها و کشمکش های فراوان بر سر برنده شدن در انتخابات از سوی تیم های «اصلاحات و هم گرایی» و «تحول و تداوم» که حکومت و مردم را تا لبه پرتگاه نابودی و هم کشانده بود، جان کری، وزیر امور خارجه امریکا به منظور کمک به حل بحران انتخاباتی افغانستان وارد کابل شد و با چندین بار

برخی از فعالان جامعه مدنی و اعضای مجلس:

جرایم جنایی در کابل افزایش یافته است

کابل نیز بر یک زوج حمله کردند و موترشان را به آتش کشیدند، اگر این بانو را کسی نجات نمی داد، سرنوشت او نیز هم چو فرخنده می شد.

در همین حال، شینکی کروخیل عضو دیگر مجلس نمایندگان نیز از افزایش آمار جرایم جنایی در شهر کابل انتقاد کرده می گوید: آمار جرایم جنایی در شهر کابل افزایش یافته است، اختطاف صورت می گیرد، منازل به سرقت برده می شود که غیر قابل قبول است.

او گفت: امیدوارم وزیر داخله این موضوع را به گونه جدی پیگیری کند، وقتی در پایتخت کشور به روی بانوان تیزاب پاشیده می شود، تامین امنیت سایر نقاط کشور چگونه خواهد بود؟

اما، مسوولان ریاست تحقیقات جنایی کابل می گویند که ریشه رویداد نهفته در خصومت های شخصی است. فریدون عبیدی، رییس تحقیقات جنایی کابل در رابطه به این رویداد گفته است که تحقیقات در این زمینه آغاز شده است.

به گفته آقای عبیدی، این رویداد سازمان یافته نبوده و ریشه اش در خصومت های شخصی است. او می گوید که شماری از عاملان این رویداد شناسایی شده اند و پس از تکمیل پرونده ها، آنان دستگیر خواهند شد.

است. محمدشریف یوسفی، دکتر بخش سوخته گی و جراحی پلاستیک شفاخانه استقلال می گوید که در نتیجه تیزاب پاشیده شده ۲۰ درصد صورت نفیسه سوخته است.

به گفته آقای یوسفی دست ها و پای چب نفیسه هم سوخته، اما آسیبی که به صورت او رسیده، بیشتر است.

این در حالی است که برخی از اعضای مجلس نمایندگان، از افزایش جرایم جنایی، به خصوص تیزاب پاشی چند روز قبل بر یک زن و دو دختر در مرکز شهر کابل ابراز نگرانی کردند.

ریحانه آزاد عضو مجلس نمایندگان امروز در نشست عمومی این مجلس گفت: وزارت امور داخله مکلف است حادثه چند روز قبل در شهر کابل را به گونه جدی مورد پیگیری قرار دهد. این عضو مجلس نمایندگان افزود: همیشه بانوان قربانی می شوند؛ اما حکومت هیچ توجهی در این زمینه نکرده است.

به گفته او، سه روز قبل برخی از باشندگان غرب

ابوبکر صدیق برخی از فعالان جامعه مدنی روز دوشنبه (۲۱ سرطان) از سه بانویی که در شب دوم عید در ساحه شهرک آریا به روی شان تیزاب پاشیده شده بود، در شفاخانه استقلال عیادت کردند.

این فعالان مدنی با نگوهرش این عمل ابراز داشتند که دولت باید برای تأمین امنیت شهروندان تلاش کند و عاملان اسید پاشی به چهره های این بانوان به زودترین وقت بازداشت و به پنجه قانون سپرده شوند.

شب دوم عید یک فرد به چهره سه بانو در مربوطات شهرک آریا اسید پاشید و پا به فرار گذاشت. این کار واکنش های تنیدی را در رسانه ها به دنبال داشت.

فعالان جامعه مدنی تأکید می کنند: این عمل ددمنشانه، نابخشونی است. این جنایت آشکار را دولت باید به صورت جدی پیگیری کند.

آنان که در یک حرکت مدنی از مجروحان این رویداد عیادت می کردند ابراز داشتند که چنین حرکت های مدنی می تواند ضمن دادخواهی، فشاری باشد بالای نهادهای امنیتی تا پیشاپیش جلو هم چو حوادث وحشتناک را از طریق نیروهای کشفی و استخباراتی بگیرند.

در همین حال، نفیسه یکی از بانوان که به چهره اش در شب دوم عید اسید پاشیده شده می گوید که با

فیسبوک نامه

عبدالحفیظ منصور



عجز رویاً در توجیه احکام در آمد

مسلمانان از همان آغاز در فهم قرآن با مشکل روبه‌رو بوده‌اند؛ پاره آن را قدیم شمرده و پاره دیگر به مخلوق بودن آن باور داشتند. دسته نخست که به اهل حدیث شهرت یافتند، همه الفاظ قرآن را حقیقی خواندند و دسته دوم برای فهم و درک قرآن به «مجاز» رو آوردند. در میان این دو گروه، اشاعره قد برافراشت که تلفیقی میان دو نظریه به وجود آورد. هم‌چنان ما تردیده و طحاویه فهم تازه‌ای را به‌کار بردند؛ یکی در شرق جهان اسلام و دومی در خاورمیانه و غرب جهان اسلام پیروان زیادی به‌دست آوردند. ظهور سه دسته اخیر، نتیجه فشار زیادی بر معتزله که به عقل‌گرایی نام‌بردار شده بود، وارد آورد و زمینه را برای آن گروه تنگ گردانید. زیرا با وجود ادعای میانه‌روی، به جانب اهل حدیث تمایل داشتند و در مخالفت با معتزله هم‌داستان بودند. با کشیده شدن پای اروپایی‌ها به سرزمین‌های اسلامی، مسلمانان ضعیف و درمانده‌گی خویش را در برابر اروپا با گوشت و استخوان درک کردند و این پرسش جدی در میان آن‌ها شکل گرفت که چرا درمانده و زبون شده‌اند؟ پاسخی که در برابر این پرسش شکل گرفت، متعدد بود. پاره از متفکران مسلمان ضرورت بازنگری در فهم متون مقدس را مطرح کردند که جنبش متعلق به سید جمال‌الدین افغانی از همین رهگذر معروف است. با گذشت زمان نواندیشانی در گوشه و کنار دنیای اسلام سر برافراشتند و آتش‌های زیر خاکستر معتزله را مشتعل کردند، از آن میان یکی هم دکتر عبدالکریم سروش است که سال‌هاست می‌گوید و می‌نویسد و خود را «معتزلی جدید» می‌نامد. او بیست سال پیش در کتاب «بسط تجربه نبوی» از مخلوق بودن قرآن با شرح و بسط سخن گفت، اما در همین جا متوقف نماند، ده سال بعد در گفت‌وگویی با رادیو هالند، قرآن را «کتاب محمد» خواند. این سخن با واکنش‌های زیادی روبه‌رو گردید و حرف‌هایی در له و علیه آن گفته آمد.

سروش از آن‌زمان تا امروز در شرح نظریه خویش شش پاره نوشته است و در تازه‌ترین اقدام ایشان در مناظره با عبدالعلی بازرگان در تلویزیون بی بی سی به دفاع از تئوری روایی بودن وحی پرداخت. سروش با طرح روایی بودن وحی پارادایم جدیدی در کنار پارادایم سنتی پیشکش داشته است که بالتبع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به همراه آورده است. صاحب نظریه «محمد؛ راوی روایات رسولانه» مدعی است:

یک: چگونه‌گی نزول وحی سمعی-بصری بوده، نه سمعی.

دو: پیامبر مخاطب وحی نیست، ناظر و شاهد صحنه‌های وحی است.

سه: وحی به وسیله فرشته به پیامبر نرسیده است، پیامبر آن‌را در عالم رویاً دریافت و سپس بسان راوی و گزارشگر آن را بیان کرده است.

چهار: قرآن متنی نیست که از لوح محفوظ کاپی شده باشد، بل از دل محمد (ص) جوشیده است؛ از این‌رو، محمد رسول و نامه‌رسان نیست، مولف و سازنده قرآن است. از زبان و فرهنگ زمان محمد (ص) تأثیر پذیرفته و در موارد علمی خطاپذیر می‌باشد. پنج: الفاظ قرآن ساده و عرفی‌اند، نه مجازی، در آن به‌کار رفته و نه استعاره، از این‌رو برای فهم قرآن نیازی به چسپیدن به فنون ادبی نیست و هیچ گرهی با توسل به آن گشوده نمی‌شود، آن‌گونه که تا هنوز گشوده نشده است، لذا برای حل معضلات و ابهامات قرآن به معبر نیاز است نه به مفسر.

صاحب این قلم، در پنج قسمت، ادعاهای یادشده را به بررسی می‌گیرد و بدین صورت اظهار رأی می‌دارد.

احمد فرهاد مجیدی



ترافیک غیرقابل تحمل کابل

امروز صبح وقتی ساعت ۸:۳۰ دقیقه خواستم از منزل در شهرنو کابل به سمت شورای ملی بروم، حدود ساعت ۱۱:۰۰ به مقصد رسیدم. این وضعیت همه روزه شهر کابل است. ازدحام سرسام‌آور ترافیکی که نمی‌گذرد در اسرع وقت به مقصد برسی. این درحالی است که برای من که وکیل شورا هستم، در بسیاری از جاها سهولت‌های بیشتری فراهم است و می‌توانم از میان ازدحام ترافیکی راه باز کنم. در یک محاسبه سرانگشتی با خود متوجه شدم که در پنج سال کاری حدود ۷۵ روز یعنی ۱۸۰۰ ساعت را در ازدحام ترافیکی شهر کابل گذرانده‌ام و این واقعاً غیرقابل تحمل است.

کابل با این وضعیت ترافیکی خود به یکی از مزدحم‌ترین شهرهای جهان مبدل شده که هیچ قانون ترافیکی بر آن حاکم نیست. گاهی برخی سرک‌ها به دلیل گذشتن مقام‌های بلندپایه بند است و گاهی به‌خاطر تظاهرات، فاتحه و جنازه برخی مسوولان و مقام‌ها. مردم این شهر واقعا از این وضعیت به ستوه آمده‌اند و اگر وضع به همین منوال ادامه پیدا کند، دیری نخواهد پایید که دیگر رفت و آمد کردن با وسیله نقلیه دیگر غیرممکن خواهد شد. مسوولان واقعا باید برای ترافیک کابل به‌صورت جدی بیندیشند و راه و چاره‌ی برای آن پیدا کنند.

اردوغان جزئیات طرح اعطای حق شهروندی به سوری‌ها را اعلام کرد

رئیس‌جمهوری ترکیه با اعلام جزئیات برنامه‌هایش برای اعطای حق شهروندی به حدود سه میلیون پناهنجوی سوری، تأکید کرد که حق شهروندی دوگانه به درخواست کنندگان اعطا می‌شود.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در پاسخ به نگرانی‌ها نسبت به این‌که اگر سوری‌ها حق شهروندی ترکیه را به دست آورند، ممکن است هرگز به کشورشان بازنگردند، گفت: ما قوانین را بر پایه حق شهروندی دوگانه قرار خواهیم داد. آیا برای شهروندانی که از حق شهروندی دوگانه برخوردارند بازگشت به زادگاه‌هایشان یک باید است؟

او به امریکا و آلمان به عنوان نمونه‌هایی اشاره کرد و گفت: این به خود سوری‌ها بستگی دارد که کدامیک از کشورهای را که از حق شهروندی آن‌ها برخوردارند، برای زنده‌گی انتخاب می‌کنند. هنگامی که ترکیه‌ای‌ها در سال ۱۹۶۳ میلادی به آلمان سفر کردند، هیچ‌کس از آن‌ها نپرسید که آیا به زادگاه‌شان باز می‌گردند یا خیر.

اردوغان افزود: جای نگرانی وجود ندارد. ملت ۷۹ میلیون نفری ما در حال حاضر در ترکیه با مساحت ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع زنده‌گی می‌کنند. آلمان که از نظر مساحت نصف کشور ماست، جمعیتی برابر با ۸۵ میلیون تن دارد. ترکیه می‌تواند به راحتی مشکلاتی از این قبیل را حل کند.

رئیس‌جمهوری ترکیه ضمن انتقاد از موضع منفی احزاب اپوزیسیون در خصوص مسأله آواره‌گان سوری، تأکید کرد: ترکیه نمی‌تواند آواره‌گان را به زنده‌گی در کمپ‌ها و زیر زمین آپارتمان‌ها محدود کند. شهرداری‌های ما همه چیز را به اطلاع من می‌رسانند. بهتر است وزارت‌خانه‌های ترکیه همکاری کرده و کمپ‌ها یا خانه‌هایی را برای اسکان مجدد سوری‌ها در داخل ترکیه پیدا کنند.

اردوغان آپارتمان‌های ساخته شده توسط اداره توسعه مسکن ترکیه را که به‌خاطر اختلافات خالی و بدون سکنه باقی مانده‌اند، برای اسکان آواره‌گان سوری پیشنهاد کرده است.

الظواهری از ابوبکر البغدادی انتقاد کرد

رهبر گروه تروریستی القاعده، عربستان را به دست داشتن در کشته‌شدن رهبر سابق جیش الاسلام متهم کرد.

ایمن الظواهری، رهبر القاعده در سخنانی گفت: شیخ ابوبصیر (ناصر الوحیسی، سر کرده سابق القاعده در یمن که در حمله پهپادی در شهر مکلای یمن کشته شد) به من گفت که آل سعود دنبال ایجاد دودسته‌گی در صف «مجاهدین» هستند. طی روزهای اخیر صحت گفته‌های او برای من ثابت شد. عربستان برخی را به ریاض می‌کشاند تا سندی را درباره قبول کثرت‌گرایی و راندن مهاجران امضا کنند. بعد زهران علوش را می‌کشند و با یک آتش‌بس دروغین برای دودسته‌گی در میان «مجاهدین» تلاش می‌کنند. جنگنده‌های روس و بعضی‌ها در دوره آتش‌بس از کشتن مسلمانان و سوزاندن خانه‌های آن‌ها دست نکشیدند.

الظواهری بعد از ستودن ناصر الوحیسی گفت که او به الوحیسی دستور داده بود تا دیپلمات‌های امریکایی و ایرانی را بریابد. الظواهری فاش کرد که چندبار نامه‌هایی را در همین باره برای ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش ارسال کرده، اما او هیچ پاسخی به این نامه‌ها نداده بود. او گفت که به داعش نامه نوشته که تعداد زنان و مردان بازداشت شده را که محکوم به اعدام شده‌اند، اعلام کند، اما داعش این درخواست را نیز نادیده گرفته است.

الظواهری گفت: البغدادی با این اقدامات صلیبی‌ها، سکولارها و مرتدین را خوشحال و سنت نبی اکرم (ص) را نقض کرد.

دی‌میستورا:

بحران

سوریه راهکار نظامی ندارد

فرستاده سازمان ملل به سوریه تأکید کرد که بحران سوریه تنها با راهکار سیاسی حل می‌شود.

استفان دی‌میستورا، فرستاده سازمان ملل به سوریه دیروز (دوشنبه) با پائولو جنتیلونی، وزیر خارجه ایتالیا در روم دیدار و با او درباره تحولات سوریه و راه‌های حل بحران این کشور بحث و گفت‌وگو کرد.

دی‌میستورا در این دیدار گفت: بحران سوریه به هیچ‌وجه راهکار نظامی ندارد و تنها با راهکار سیاسی قابل حل است.

دی‌میستورا از نیز روسیه خواست تا «نقشی سازنده‌تر» در سوریه ایفا کند و از «شدت مداخله» خود در این کشور بکاهد.

او نقش مسکو در حل بحران سوریه را مهم دانست و در عین حال تأکید کرد که تمامی طرف‌ها در سوریه باید امتیازاتی بدهند تا مشکلات حل شود.

فرستاده سازمان ملل به سوریه درباره آتش‌بس در این کشور نیز گفت: متأسفانه آتش‌بسی که در ابتدا برقرار شده بود، پایدار نماند. ما هم‌چنان به توقف درگیری‌ها امید بسته‌ایم. این بحران که از جنگ جهانی دوم به بعد بی‌سابقه بوده است باید پایان یابد.

در حال حاضر قدرت‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند تا بتوانند طرف‌های سوری را بار دیگر به پای میز مذاکره بکشانند و به پنج سال جنگ در این کشور پایان دهند.

یوسف شیردل در آستانه پیوستن به بولتون انگلیس



باشگاه بولتون انگلیس در پی امضای قرارداد با یوسف شیردل بازیکن ۲۳ ساله تیم ملی افغانستان است.

یوسف شیردل چندی پیش قرار داد یک ساله‌اش با باشگاه فلنزبورگ را فسخ کرد و در حال حاضر بازیکن آزاد است. او سال گذشته در تمرینات تیم‌های کویینز پارک رنجرز وستهم انگلستان نیز شرکت کرد. او هم‌چنان سال گذشته یک دوره آزمایشی در تیم فوتبال اورلاندو سیتی امریکا را سپری کرده است. شیردل که متولد هامبورگ است، دوران بازی خودش را در هامبورگ و سن پائولی آغاز کرده است. او ۴۵ بازی هم برای تیم دوم هامبورگ انجام داده و ۸ گل نیز به ثمر رسانده است.

یوسف شیردل، علی‌رغم این‌که در آلمان به دنیا آمده است، برای تیم ملی افغانستان بازی می‌کند و در سال ۲۰۱۶ اولین بازی ملی‌اش در برابر جاپان را انجام داد و در دومین بازی در برابر سنگاپور یک گل برای این تیم زد و به پیروزی دو بر یک تیم منجر شد. باشگاه بولتون انگلیس که سابقه حضور در رقابت‌های لیگ برتر را دارد، فصل پیش در رقابت‌های چمپیونز شپ حضور داشت که با قرار گرفتن در مکان آخر جدول در حال حاضر در لیگ دوم فوتبال انگلستان موقعیت دارد.

در صورت انتقال این بازیکن به این تیم انگلیسی، یوسف شیردل اولین بازیکن افغانستان خواهد بود که در لیگ انگلیس بازی خواهد کرد.

خروس‌ها در خانه باخند پرتگال قهرمان جام ملت‌های اروپا شد



تیم ملی فوتبال پرتگال در مرحله نهایی قهرمانی جام ملت‌های اروپا (یورو ۲۰۱۶) فرانسه را در وقت‌های اضافه با نتیجه ۱-۰ در هم کوبید و قهرمان این دوره از مسابقات شد.

جدال دو تیم در وقت معمول با تساوی بدون گل همراه بود و تنها گل بازی را آدر در دقیقه ۱۰۹ به ثمر رساند.

بازی با حملات فرانسه آغاز شد. در دقیقه ۷ بازی مصدومیت رونالدو همه پرتگالی‌ها را نگران ساخت، اما او به میدان برگشت. در دقیقه ۱۰ گریزمان با ضربه سر خود فرانسه را تا آستانه گل پیش برد، ولی توپ به کارنر رفت.

در ادامه بازی، کریستیانو رونالدو اعلام کرد که توان ادامه بازی را ندارد و در دقیقه ۲۵ با چشمانی اشکبار تعویض شد.

پرتگال که از تعویض رونالدو در شوک به سر می‌برد، یکی دوبار در ضد حملات خطرات نصفه‌و نیمه‌یی را ایجاد کرد و فرانسه هم نتوانست با فشار تماشاگران به گل دست یابد. این‌گونه نیمه نخست با تساوی پایان یافت.

بازی با تهاجم خروس‌ها هم‌چنان ادامه داشت. در دقیقه پایانی بازی، حساسیت به اوج خود رسید. در دقیقه ۹۲ بازی، ضربه ژینیاک به تیر دروازه پرتگال اصابت کرد، اما گل نشد و کار به وقت اضافه کشید. در وقت اول اضافه این بازی، دو تیم روند قبل را ادامه دادند. در دقیقه ۱۰۴ بازی بود که پرتگالی‌ها در یک هجوم همه جانبه دروازه لوریس را تهدید کردند. وقت اول اضافه هم با تساوی بدون گل انجامید.

با شروع وقت دوم اضافه این تیم پرتگال بود که بهتر ظاهر شد. در دقیقه ۱۰۷ تیر دروازه فرانسه روی یک ضربه کاشته به لرزه در آمد و در دقیقه ۱۰۹ آدر با حرکتی انفرادی و شوتی زمینی از پشت محوطه جریمه دروازه تیم فرانسه را گشود تا بهت ورزشگاه سنت دنیس را فرا گیرد. خروس‌ها که شوکه شده بودند در ۱۰ دقیقه باقی مانده دست به حملاتی زدند، اما پرتگالی‌ها از گل دفاع کرده و در خاک فرانسه جشن قهرمانی خود را برپا کردند.

Mandegar

مصوبه قانون برگزاری مراسم عروسی

روی میز رییس جمهوری

آلمان به دنبال ایفای نقش امنیتی پررنگ‌تر در عرصه جهانی



۳۰۰ نفر را دعوت کنند و بیشتر از آن حق ندارند که مهمان دعوت کنند.

سخنگوی وزارت عدلیه گفت، در برابر کسانی که در مخالفت با این قانون، برنامه‌های خود را برگزار کنند، قانون برگزاری مراسم، جریمه پیش‌نهاد کرده است. به گفته او، وزارت امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت حج و اوقاق و شهرداری کابل، مکلفاند که بر تطبیق این قانون کار کنند و آن را اجرایی بسازند.

آقای امان ریاضت گفت که پیش‌نویس این قانون بر بنیاد ماده‌ی ۵۴ قانون اساسی آماده شده است.

طرح قانون برگزاری مراسم در چهار فصل و ۲۳ ماده آماده شده است که سال گذشته از سوی شورای ملی به تصویب رسید.

حفظ ارزش‌های فرهنگی، احترام به سنت‌های پسندیده، جلوگیری از مصارف گزاف و فراهم‌آوری تسهیلات در برگزاری محافل، حفظ ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از انحراف و شکست اخلاقی، فراهم‌آوری زمینه تشکیل خانواده سالم برای همه، حفظ شیرازه خانواده و جلوگیری از خشونت‌های خانوادگی، تامین روابط حسنه و پایدار میان زوج و زوجه و خانواده‌های آنها، از اهداف اصلی این قانون گفته شده است.

مسئول مطبوعاتی وزارت عدلیه می‌گوید که طرح قانون برگزاری مراسم برای توشیح به اداره امور ریاست‌جمهوری فرستاده شده است.

امان ریاضت، سخنگوی وزارت عدلیه کشور به خبرگزاری رسد گفت که پیش‌نویس طرح برگزاری مراسم که از سوی این وزارت آماده شده بود و از سوی شورای ملی هم به تصویب رسید، اکنون برای توشیح از سوی رییس‌جمهور به اداره امور ریاست‌جمهوری فرستاده شده است.

به گفته آقای ریاضت، این قانون پس از آن‌که از سوی رییس‌جمهور توشیح شود به وزارت عدلیه فرستاده می‌شود تا در جریده‌ی رسمی چاپ شود.

به گفته آقای ریاضت در این قانون، برگزاری مراسم نامزدی، خویش‌خوری، شب‌حنا، تخت‌جمعی، پای‌وازی، شب‌شش، سالگره، نام‌گذاری، کاکل‌گیری، بازگشت از حج و سفر و فراغت از تحصیل در هتل‌ها و سالن‌های عروسی، منع شده است.

آقای ریاضت گفت که بر بنیاد این قانون، صرف محافل عروسی و شیرینی‌خوری، می‌توانند که در سالن‌های عروسی برگزار شوند.

به گفته آقای ریاضت، در این قانون آمده است که خانواده‌های داماد و عروس در محفل عروسی می‌توانند که حدود ۵۰۰ نفر و در محفل شیرینی‌خوری حدود

است چهارشنبه منتشر شود. این نشان‌دهنده تغییری برای آلمان آن هم پس از چند دهه است که این کشور در سایه ترور نازی‌ها و واقعه هولوکاست، در حاشیه عرصه جهانی حرکت می‌کرد و تمایلی به اعزام نیرو به خارج نداشت.

این سند که اولین در نوع خود طی یک دهه گذشته است، یک اتحادیه دفاعی برای کشورهای اروپایی را پیش‌بینی کرده و ایده دوران دهه ۵۰ میلادی که در آن زمان از سوی فرانسه رد شده بود، احیا می‌کند. این در شرایطی است که اروپا با نگرانی شاهد تحولات روسیه و هضم شوک حاصله از رفراندوم بریگزیت است.

پیش‌نویس این سند که به دست خبرگزاری فرانسه رسیده، نشان می‌دهد: آلمان به صورت روزافزونی به عنوان اصلی‌ترین بازیگر در عرصه اروپا دیده می‌شود.

آلمان به عنوان کشوری که به لحاظ جهانی کاملاً هماهنگ است، مسوولیت دارد تا فعالانه به شکل‌گیری نظم جهانی کمک کند. این کشور آماده مسوولیت‌پذیری است و حاضر است برای رسیدگی به چالش‌های کنونی و آتی امنیتی و انسانی کمک کند.

دیوان عالی آلمان در سال ۱۹۹۴ نهایتاً به این کشور اجازه داد تا در عملیات‌های صلح‌طلبانه چندملیتی شرکت کند. از آن زمان تاکنون آلمان در مناطق درگیر نیرو مستقر کرده است؛ از بالکان تا افغانستان اما همواره به دلیل دوری از سایر درگیری‌ها خصوصاً مداخله سال ۲۰۱۱ ناتو در لیبی مورد انتقاد قرار گرفته است.

در دو سال گذشته یوآخیم گائوک، رئیس‌جمهوری و اورسلا فون درلاین، وزیر دفاع آلمان همواره بحث کرده‌اند که آلمان باید با قدرت بیشتری در تحولات خارجی شرکت داشته باشد.



مژده!

اطلاعیه وزارت معارف ج.ا.ا در مورد بورسیه‌های تحصیلی (ووچر)؛ قابل توجه فارغ‌التحصیلان انستیتوت‌های تخنیکی و مسلکی!

پروژه انکشاف مهارت‌های افغانستان، معینیت تعلیمات تخنیکی و مسلکی وزارت معارف افتخار دارد که به کمک مالی بانک جهانی در دور چهارم برنامه آموزشی "ووچر voucher" / به تعداد ۵۰۰ تن از فارغان انستیتوت‌های تخنیکی و مسلکی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ هجری خورشیدی را که اوسط نمرات دوساله چهارسمستر (شان بالای ۸۲,۵ فیصد باشد؛ جهت ارتقای ظرفیت، اخذ تصدیق‌نامه و اسناد در بخش‌های: انجینیری برق، انجینیری ساختمان، اتومبیل‌سازان یا ماشین آلات، خط آهن، زراعت، تکنالوژی معلوماتی، کامپیوتر ساینس، معادن و پترولیم، انجینیری میخانیک، مدیریت، بازرگانی، حسابداری، انجینیری معماری، مدیریت منابع آب، انرژی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، عمدتاً به کشور هندوستان اعزام کند.

علاقه‌مندان واجد شرایط می‌توانند جهت ثبت نام و اخذ فورم به یکی از نزدیک‌ترین مراکز زیر مراجعه نمایند:

انستیتوت ملی اداره و مدیریت (نیمال) در کابل و آمریت‌های تعلیمات تخنیکی و مسلکی زون‌های مربوطه (ولایات ننگرهار، بلخ، هرات، تخار، پکتیا، کندهار و بامیان) مؤظف به همکاری جهت ثبت‌نام شما خواهند بود.

یادداشت: فارغانی که در سه دوره قبلی ووچر اشتراک ورزیده اند، حق ثبت‌نام ندارند.

یادداشت II: محصلان کامیاب شده در دور سوم برنامه ووچر هرچه زودتر جهت داخله به موسسات تحصیلات عالی به دفتر پروژه انکشاف مهارت‌های افغانستان مراجعه کنند و یا با شماره مذکور به تماس شوند.

تاریخ ثبت نام: ۱۹ تا ۳۱ سرطان ۱۳۹۵، مطابق ۹ تا ۲۱ جولای ۲۰۱۶

تاریخ امتحان: ۵ اسد ۱۳۹۵، مطابق ۲۶ جولای ۲۰۱۶

برای معلومات بیشتر با این آدرس‌ها به تماس شوید: